

قرآن کریم و علوم قرآن

پیشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مخبره ارتباط زمان و مکان با علوم قرآنی

نزول با علوم قرآنی

حجه الاسلام دکتر اسماعیل سلطانی^۱

نقیسه سادات موسوی زاده^۲

• چکیده

یکی از راههای رسیدن به مقصود آیات قرآن کریم و فهم مراد گوینده از آنها در نظر گرفتن قراین از جمله قرینه «زمان و مکان نزول» آیات است. در این پژوهش مواردی از تأثیرپذیری مباحث علوم قرآنی از این قرینه با توجه به دیدگاه های تعدادی از مفسرین شیعه و سنی تبیین شده است. با «زمان و مکان نزول» آیات و سوره ها می توان به بازشناسی آیات ناسخ و منسوخ و عام و خاص و... پرداخت و با این شناخت زمینه‌ی فهم مناسب تر قوانین اسلام را فراهم آورد. آشنایی با «زمان و مکان نزول» این امکان را به مفسر می دهد تا آیات و سوره های مکی و مدنی و ترتیب نزول آنها را به طور دقیق مورد بررسی قرار دهد و همچنین دلیل محکم دیگری برای مباحث عدم تحریف و اعجاز قرآن به شمار می آید.

* کلید واژه ها: «زمان نزول»، «مکان نزول»، «نزول قرآن»، «علوم قرآنی

* مقدمه

شناخت محیط و شرایط زمان و مکانی نزول آیات و سوره ها از مهمترین مسایلی است که در فهم قرآن کریم مؤثرند. این آگاهی ما را به فهم منظور شارع مقدس از نزول و نیز تأثیر هر چه بیشتر این مفاهیم نزدیک می سازد. در این مقاله سخن از این است که به طور قطع قرینه «زمان و مکان نزول» بر مباحث علوم قرآنی نقش بسزایی دارد و قاعده ای مهم برای تفسیر صحیح به شمار می آید. هر اندازه پژوهشگر قرآنی و مفسر در این زمینه آگاهی های گسترده و عمیق کسب کند، دستاورد او با واقعیت های شریعت نزدیکتر است. سیوطی تأثیر این امر در شناخت ناسخ و مخصص قرآن را به حدی می داند که به نقل از حسن بن محمد

بن حبيب نيشابورى مى‌نويسد: «براى و ميان آنها تمميز ندهد روا نيست درباره قرآن سخن بگويد»^۱.

قدمت تاريخ گذارى قرآن به صدر اسلام مى رسد^۲ و بحث از مكي و مدنى بودن سوره ها همچون ديگر مباحث علوم قرآنى مورد توجه مسلمانان بوده و كتابهاى ارزشمندی در اين زمينه تأليف شده است.^۳

مفهوم شناسى «زمان نزول»، «مكان نزول»، «نزول قرآن»، «علوم قرآنى» «زمان»^۴ از ماده «زمن»، «از لغات مشترك ميان عرب و عجم است»^۵

و به «اسمى كه براى وقت، چه كم باشد و چه زياد»^۶، «عصر»^۷ و «چيزى كه دائم در حركت»^۸، «وقت، هنگام، دور و عهد»^۹، «زمانه، روزگار، دهر»^{۱۰} و... معنا شده است. براى مشخص شدن معنای «زمان» به تفاوت معنایی «زمان» با ديگر واژه ها مى پردازيم:

«زمان» و «آمد»: «زمان» هم براى مبدأ و هم غايت و نهايت استعمال مى شود يعنى براى زمان هاى گذشته و حال و آينده به كار مى رود ولى «آمد» فقط به اعتبار هدف و غايت استعمال كسى كه آيات مكي و مدنى را نشناسد

مى‌شود و تنها براى زمان آينده است.^{۱۲}

«زمان» و «ابد»: «ابد» زمانى است پيوسته برخلاف «زمان» كه پيوسته نيست^{۱۳} «زمان» و «دهر»: «زمان» هم به مدت بسيار اطلاق مى‌شود و هم به مدت اندك اما از مدت طولانى به «دهر» تعبير مى‌شود.^{۱۴}

در اين تحقيق «زمان نزول» عبارت است از: اوقاتی كه فرازهاى آيات قرآن كريم بر حضرت محمد(ص) پيامبر اسلام وحى شده است.

«مكان»^{۱۵} اسم ظرف است و به «جاى، محل، جاىگاه»^{۱۶} موضع بودن چيزى، قرارگاه هر چيز از زمين و جاى شىء^{۱۷} معنا شده است. اين واژه به نظر بعضى از اهل لغت مشتق از «كون»: «بودن و هستى» است كه در اثر كثرت استعمال به معنى مطلق «جا» به كار مى‌رود^{۱۸} و بعضى ديگر معتقدند از ماده «مكن» به معنى «جايى كه چيزى را در بر مى‌گيرد»^{۱۹} است. در اين نوشته منظور از «مكان نزول» عبارت است از: هر جا و هر شهري است كه پيامبر(ص) به آنجا

قدم گذارده اند و آیاتی از قرآن کریم بر آن حضرت نازل شده است.

واژه «نزول» از «نزل» به معنای «فرود آمدن یا فرو افتادن»^{۲۰}؛ از بالا به پایین است^{۲۱} مانند «فرود آمدن باران از آسمان یا فلانی از اسبش فرود آمد»^{۲۲} و نیز به معنای «جاگیر شدن و در جایی اقامت افکندن» است^{۲۳} برخی اهل لغت «نزول» را به معنای «هبوط» آورده اند^{۲۴}. اما کسانی بین این دو فرق گذاشته و گفته اند: «هبوط» به معنای فرود آمدن قهری است مانند فرود آمدن سنگ^{۲۵} و در کاربرد آن در مورد انسان دلالت بر تحقیر و نقص دارد^{۲۶} برخلاف «نزول»؛ این لفظ در مواردی چون ملائکه^{۲۷} و باران^{۲۸} به کار رفته و اشاره به عظمت و شرافت دارد^{۲۹}. در «هبوط» به مقصد فرود، جایی که غیر از مبدأ است توجه شده اما در «نزول» مبدأ، جای اولی که چیزی می‌خواهد از آن جدا شود مورد نظر بوده و به استقرار یافتن در جای دوم توجه ای نمی‌شود.^{۳۰}

بدون تردید در زمینه نزول قرآن هیچ یک از معانی لغوی که دلالت بر نزول مادی و مکانی دارد نمی‌تواند مورد

نظر باشد. زیرا قرآن کریم که مرتبه ای از علم خداوند متعال است، جسم نیست تا در مکانی قرار گیرد و یا از بالا به پایین فرو فرستاده شود. و باید واژه «نزول» را در مورد قرآن به معنای مجازی به کار برد. منظور از «نزول قرآن کریم» ظهور وحی در پیامبر اکرم(ص) است؛ نزول معنوی و روحانی که تنها ایشان حقیقت آن را دانسته و درک می‌کردند^{۳۱}. بدین معنا که قرآن حقیقتی والا است که منشأ اصلی آن علم ذاتی خداوند است و از آنجا که دور از دسترس فهم متعارف انسانها است خدای رحمان و رحیم جهت تمام کردن عنایت و رحمت خویش آن حقیقت را به مرتبه ظهور فعلی و در قالب الفاظ متجلی ساخته و به پیامبر خویش وحی نموده است^{۳۲}. و به اعتبار بلندی مقام خدای تعالی و پستی مقام عبودیت است که آمدن قرآن از آن مقام به این مقام «نزول» نام گرفته است^{۳۳}. بنابراین نظر عده ای از دانشمندان، نزول قرآن کریم دو بار بوده است:

• الف - نزول اجمالی: معارف الهی واقع در قرآن یک باره بر قلب پیامبر

فروود آمده است تا روح آن حضرت سرشار از نور معرفت قرآنی گردد.

در دوران رسالت، قرآن با الفاظ معین و آیات پیامی، تدریجی بر پیامبر(ص) فروود آمده است که گاهی با حوادث و وقایعی مرتبط بوده است.

آنها، آیه شریفه هود/۱ را شاهد بر اندیشه تعدد نزول قرآن گرفته اند^{۳۴}

«...این کتابی است که آیت‌های آن از نزد دانایی با حکمت و آگاه استوار و پایدار گشته - که به کتابی دیگر منسوخ نشود - و آنگاه به تفصیل بیان شده است»

نزول تدریجی قرآن از یک طرف امداد معنوی مستمر برای پیامبر(ص) بوده است^{۳۵} و از طرفی، رسالت اسلام با انواع بحران‌های سیاسی، فرهنگ‌ها و پرسش‌های مختلف از سوی مشرکان رویارو بوده است. موضع‌گیری‌های مناسب و تفسیر و تبیین متناسب از سوی پیامبر(ص) نیازمند آن بوده است که نزول قرآن به شکل تدریجی انجام پذیرد^{۳۶} ویژگی نزول تدریجی این

کتاب آسمانی، بیانگر قابلیت تعیین زمان نزول هر یک از آیات و سوره‌های قرآن کریم است. این مطلب را قراین تاریخی و اشاره‌های موجود در آیات تأیید می‌کند.

«علوم قرآنی»: دانشی است دارای مباحث و فصل‌های مشخص که در هر فصل خصوصیتی از قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد. قلمرو این علم محدود و معین است و منحصر در همان مباحثی که به طور معمول در کتابهای علوم قرآنی به آنها پرداخته شده است^{۳۷}.

برخلاف واژه «علوم قرآن» که منظور هر دانش و آگاهی است که می‌تواند درباره‌ی قرآن و مرتبط با آن مطرح باشد بنابراین شامل همه علوم و موضوعات مرتبط با قرآن می‌شود؛ اعم از علمی که از قرآن گرفته می‌شود و یا علمی که مقدمه‌ی فهم قرآن کریم است^{۳۸}

اینک ارتباط قرینه‌ی «زمان و مکان نزول» با مباحث علوم قرآنی را بر می‌شماریم:

یکی از مسائل علوم قرآنی که تنها از طریق شناخت زمان نزول آیه‌ها و سوره‌ها حل و فصل می‌شود، مسأله

نسخ^{۳۹} است^{۴۰} آیه ... معرفت در این باره می فرماید: «... در قرآن، آیات ناسخ و منسوخ، عام و خاص، مطلق و مقید و مبهم و مبین بسیار است. در حالیکه مقتضای ناسخ بودن، تأخیر زمانی آیات ناسخ از منسوخ است. هم چنین بقیه تقييدات و مخصوصا بیان مبهمات که لازمه‌ی طبیعی و عادی آن وجود فاصله زمانی است^{۴۱}». با دانستن تقدم و تأخر نزول، بسیاری از اختلاف نظرها در شناخت آیات ناسخ و منسوخ برطرف می شود. زیرا معنا ندارد ناسخ و منسوخ هر دو در یک زمان نازل شده باشد. ضرورت این شناخت بخصوص در حیطه احکام خود را نشان می‌دهد^{۴۲}. برای مثال توجه فرمائید:

الف - دیدگاهی است که آیه مائده/۵: «الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ... وَ الْمُحْضَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُحْضَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ...» «امروز چیزهای - خوردنیهای - پاکیزه برای شما حلال شد... و زنان پاکدامن با ایمان و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده...»

با سوره های بقره/ ۲۲۱ و ممتحنه/ ۱۰ منسوخ شده است^{۴۳}.

بقره/۲۲۱: « وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَّ لِأُمَّةٍ مُّؤْمِنَةٍ حَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَّ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَّ لَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا...»

« و زنان مشرک را به همسری مگیرید تا ایمان آورند، و کنیز با ایمان به از زن مشرک است هر چند که شما را خوش آید و به شگفت آرد و به مردان مشرک زن با ایمان مدهید تا ایمان آورند...»

ممتحنه/۱۰: «... وَ لَا تَمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفِ...»

«... و به پیوندهای قبلی کافران متمسک نشوید [و پایبند نباشید] ...»

به این معنا که ازدواج با زنان اهل کتاب به حکم آیات سوره بقره و ممتحنه حرام می باشد. اما با توجه به ظواهر آیات چنین نتیجه ای به دست می آید: ظاهر مضمون آیه ۵ مائده، ازدواج موقت با اهل کتاب را جایز دانسته است. در حالیکه ظهور معنای آیه ۲۲۱ بقره، ازدواج با زن و مرد بت پرست را حرام می داند و در مورد اهل کتاب سخنی به میان نیاورده است. عنوان «زنان کافر» نیز در آیه ۱۰ ممتحنه که هم شامل اهل کتاب و هم

مشرك می‌شود، در موردی صدق می‌کند که مردی مسلمان شده در حالیکه زنی کافر در عقد دارد، در صورتی زن می‌تواند در عقد مرد باقی بماند که ایمان بیاورد⁴⁴ و این معنا هیچ دلالتی بر ازدواج ابتدائی با اهل کتاب ندارد. بنابراین میان آیات هیچ منافاتی وجود ندارد. برای رد این نظر، علاوه بر دلائلی چون ظهور آیه، دلیل محکم دیگری که می‌توان به آن نیز استناد نمود، زمان نزول سوره های نام برده است. سوره بقره اولین سوره ای است که بعد از هجرت در مدینه نازل شده و سوره ممتحنه در مدینه قبل از فتح مکه نازل شده و سوره مائده آخرین سوره ای است که بر رسول خدا نازل گشته⁴⁵ و این سوره نمی‌تواند منسوخ شود. زیرا بعد از آن آیه ای نازل نشده است تا بتواند ناسخ آیات این سوره بشمار آید⁴⁶.

• ب - مورد دیگر آیه متعه⁴⁷:
 نساء/۲۴: «...فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً...»
 «...پس هر گاه از زنان به آمیزش بهره گرفتید - به نکاح موقت - کابین مقررشان را بدهید...»

بدون شک مراد از استمتاع در آیه مذکور متعه است⁴⁸. بعضی از مفسرین با اذعان به این مطلب معتقدند آیه مذکور با سوره مؤمنون/ ۵ - ۷ نسخ شده است⁴⁹.

مؤمنون/ ۵ - ۷: « وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۵) إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۶) فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۷) »

«و آنان که شرمگاه خود را [از حرام] نگهدارنده‌اند، (۵) مگر بر همسران یا کنیزان خویش، که [برای آمیزش با آنان] سرزنش نشوند، (۶) پس هر که افزون از این [که یاد کردیم] بجوید، اینان از حد درگذرنده‌اند، (۷)»

محتوای این آیه دلالت دارد بر اینکه هر کس با غیر همسر یا کنیزش باشد، تجاوزگر است. و نامی از زن به صیغه موقت نبرده است، بنابراین آیه متعه نسخ شده است.

جهت فساد دیدگاه مورد نظر این است که سوره نساء در مدینه، نیمه اول بعد از هجرت نازل شده است. و در ایام نزول آیه، لفظ متعه به همین معنا در میان مردم رواج داشته است که مؤید این مطلب است. در حالیکه سوره

مؤمنون در مکه نازل شده است^{۵۰}، زمانی که متعه هنوز تشریح نشده بود. بنابراین سوره مؤمنون صلاحیت ناسخ بودن از نظر زمانی را دارا نیست^{۵۱}.

۲۰. شناخت آیات عام و خاص

عمل کردن به آیات عام و مطلق بدون مراجعه به خاص و مقید آن مانند پیروی کردن از لفظ غریب بدون توجه و مراجعه به کتابهای لغوی که مخالف با طریق و روش اهل تحقیق در هر علمی می باشد. یکی از کلیدهای اصلی تفسیر، شناخت این دسته آیات است. چنانچه اخبار ائمه (ع) را در مورد عام و خاص و مطلق و مقید^{۵۲} مورد مطالعه قرار دهیم به موارد بسیاری بر می خوریم که از عام آن حکمی استخراج می شود و از همان عام به ضمیمه ی مخصوص حکمی دیگر استفاده می شود^{۵۳}. روایت شده: «کسی که از کتاب خدا ناسخ را از منسوخ، و خاص را از عام، و محکم را از متشابه، و احکام جایز را از احکام حتمی، و مکی را از مدنی، تشخیص نمی دهد و... چنین کسی عالم به قرآن و اصلا اهل قرآن نیست. و...»^{۵۴} دانستن فاصله زمانی بین عام و خاص لازمه

شناخت این آیات است. مانند: بقره/ ۲۲۱: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُوْمِنُوا...» «و زنان مشرک را به همسری مگیرید تا ایمان آورند»

مائده/ ۵: «... وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ...» «... و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده...»

ظاهر آیه سوره بقره تنها می خواهد ازدواج با زن و مرد بت پرست را تحریم کند و شامل اهل کتاب نمی شود چون به قرینه ی آیات متعددی^{۵۵} مشرکان در برابر اهل کتاب قرار گرفته اند در حالیکه آیه سوره مائده شامل حکم ازدواج موقت با اهل کتاب است و هیچ منافاتی میان این دو آیه باقی نمی ماند^{۵۶} اما اگر مشرک را اعم از بت پرست و اهل کتاب بدانیم در این صورت نسبت میان آنها عموم و خصوص می باشد^{۵۷} همینطور است سوره ممتحنه/ ۱۰: «... وَ لَا تُمَسِّكُوا بَعْضَ الْكُوفِرِ...» «... و به پیوندهای قبلی کافران متمسک نشوید او پایبند نباشید...»

اگر فرض بگیریم، کافر اعم از اهل کتاب و مشرک باشد در این صورت آیه سوره مائده که از لحاظ زمان نزول

متأخر از سوره بقره و ممتحنه است تخفیفی است بر حکم تشدیدى که از آیه بقره و ممتحنه فهمیده می شود.^{۵۸} و هیچ منافاتی میان آیات دیده نمی شود. بنابراین این آیات ناسخ و منسوخ یکدیگر نخواهند بود. مورد دیگر تخصیص خوردن آیه ۷۱ نساء و ۳۹ و ۴۱ توبه با آیه ۱۲۲ توبه است.

نساء/۷۱: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثَبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا »
«ای کسانی که ایمان آورده‌اید [هنگام کارزار] سلاح و ساز و برگ خویش برگزید یعنی آماده شوید و گروه گروه در صورت کمی دشمن یا همه با هم در صورت افزونی آنان بیرون شوید.» توبه/۳۹: «إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبَكُمُ عَذَابًا أَلِيمًا وَ يَسْتَبَدِّلَ قَوْمًا غَيْرَكُمْ...»
«اگر [برای جهاد] بیرون نروید، شما را عذاب کند عذابی دردناک و گروهی دیگر به جای شما آورد...»

توبه/۴۱: «انفِرُوا خِفَافًا وَ ثِقَالًا...»
«سبکبار و گرانبار [برای جهاد] بیرون روید و...»

توبه/۱۲۲: «وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»

«همه مؤمنان را نشاید که [برای جهاد] بیرون روند، پس چرا از هر گروهی از ایشان جمعی بیرون نروند او دسته‌ای بمانند] تا دانش دین بیاموزند- و آیات و احکام جدید را فرا گیرند- و مردم خویش را چون به سوی ایشان باز گردند هشدار و بیم دهند شاید که بترسند و بپرهیزند»

سه آیه اول بیانگر این مطلب هستند که مؤمنین باید برای خروج به سوی جهاد آمادگی تمام داشته باشند و متناسب با شرایط و اختلاف تجهیزات نظامی و نیروی دشمن به طور فرقه فرقه یا به طور دسته جمعی کوچ کنند.^{۵۹} (امر به جهاد مطلق بوده و با دلایل و عذرهایی چون مرض و نابینایی و... مقید می شود.)^{۶۰} آیه ۱۲۲ توبه بیان می دارد جایز نیست همگی به جهاد بروند. باید عده ای از مؤمنین در مدینه الرسول باقی بمانند و معارف دین را یاد گرفته و عمل کنند تا در مراجعت، هموطنان خود را انداز نمایند.^{۶۱} مشاهده می شود عمومیت این آیات که قبل از آیه مورد نظر نازل شده اند تخصیص خورده نه اینکه منسوخ شده باشد^{۶۲} و این استثنایی است بر یک حکم کلی^{۶۳}. در این زمینه



آیات بسیاری است که رابطه ی آنها به قرینه زمان نزولشان، عام و خاص هستند.

۳۰. شناخت آیات مطلق و مقید

شناخت آیات مطلق و مقید قرآن در گرو شناخت زمان نزول آیات است. شناخت آیات مطلق و مقید تأثیر بسزایی در مباحث فقهی و کلامی دارد و باعث می شود به نتیجه گیری های متفاوتی دست یافت. برای نمونه، بعضی دانشمندان علوم قرآنی قائلند:^۴ آیه متعه با آیات طلاق و ارث و تعدد زوجات نسخ شده است.

آیه متعه: نساء/ ۲۴: «...فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً...»
«...پس هر گاه از زنان به آمیزش بهره گرفتید- به نکاح موقت- کابین مقررشان را بدهید...»

آیات طلاق: بقره/ ۲۲۸: «وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ...»
«و زنان طلاق داده تا سه پاکی درنگ کنند- منتظر بمانند و از شوهر کردن باز ایستند...»

و طلاق/ ۱: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْضُوا الْعِدَّةَ...»

«ای پیامبر، چون خواهید زنان را طلاق دهید پس آنان را به هنگام عده ایشان طلاق دهید و شمار عده را نگاه دارید...»

آیه ارث: نساء/ ۱۲: «وَلَكُمْ بَعْضُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وُلْدٌ...»
«و اگر زنانتان فرزندی نداشته باشند نیمی از آنچه به جا گذاشته اند از آن شماست...»

آیه تعدد زوجات: نساء/ ۳: «وَإِنْ حَقَّكُمْ آلَا تَقْسَطُوا فِي الْيَتَامَى فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثَلَاثَ وَ رِبَاعًا...»
«و اگر بیم آن دارید که در باره یتیمان- در باره ازدواج با دختران یتیم- نتوانید به داد و انصاف رفتار کنید پس ابا آنان نکاح مکنید و آنچه شما را از [دیگر] آنان خوش آید، دوگانه و سه گانه، و چهار گانه، بگیریید...»

با این توضیح که جدا شدن زن از شوهر در آیات طلاق منحصر شده در طلاق و عده نگه داشتن در حالیکه در نکاح موقت نه طلاق هست و نه عده سه پاکی و برخلاف آیه ارث که بیان می دارد زن و شوهر از یکدیگر ارث می برند، در نکاح متعه ارث نیست نه از طرف مرد و نه از طرف زن و

همچنین در آیه تعدد زوجات به تعداد خاصی از زوجه اشاره شده و نفرموده می توانید متعه بکنید. زیرا در متعه، بیش از چهار زن نیز جایز است.^{۶۵} اما با بررسی و توجه به زمان نزول آیات نسبت میان این آیات، نسبت عام و خاص یا مطلق و مقید خواهد بود نه ناسخ و منسوخ. با این بیان که آیات عام طلاق در سوره بقره قرار دارند و این سوره، اولین سوره ی نازل شده در مدینه است. و آیه متعه که در سوره نساء قرار دارد بعد از سوره بقره نازل شده است. همچنین آیه تعدد زوجات و آیه ارث که در سوره نساء قرار دارد قبل از آیه متعه واقع شده اند و به شهادت سیاق و زمینه آیات، ترتیب این آیات متحد بوده و نمی توان احتمال داد آیه متعه قبل از آن نازل شده است.^{۶۶} بنابراین منسوخ بودن آیه متعه ثابت نیست و عقد موقت مشروع است.

نسبت میان آیات شریفه رعد/۶ و نساء/۴۸ مورد دیگری در مبحث کلام است.

رعد/۶: «وَأِنْ رَبِّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِّلنَّاسِ عَلَىٰ ظُلْمِهِمْ وَإِنْ رَبِّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ»

«...و به راستی پروردگار تو نسبت به مردم- با وجود ستمشان- بخشایشگر است، و به یقین پروردگار تو سخت کیفر است.»

نساء/۴۸: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا»

«همانا خدا این را که با وی انباز گیرند نمی‌آمرزد و آنچه را که فروتر از آن باشد- غیر شرک- برای آن که بخواهد می‌آمرزد. و هر که با خدای انباز گیرد هر آینه با دروغی که بافته گناهی بزرگ کرده است»

خداوند متعال در آیه شریفه سوره رعد، دامنه مغفرت خود را تا به حدی وسیع و گسترده کرده که آمرزش او شامل حال ظالم هم می شود. و در صورتی که حکمت اقتضا کند خداوند او را می‌آمرزد. آیه سوره نساء این آیه را مقید ساخته و بیان می دارد اگر مشرک به دین توحید برنگردد خداوند او را نمی‌آمرزد. بنابراین هر انسانی، مؤمن یا کافر چه مرتکب گناه کبیره شده باشد و چه صغیره، اگر به درگاه خدای متعال پناه برده و از او مغفرت بخواهد، قابل بخشش و آمرزش است همانطور که خداوند می تواند او را نیز عقاب

کند^{۶۷}. این آیه بیانگر یک اصل تربیتی مهم یعنی زندگی بین خوف و رجاء است. و پاسخی است به گفتار نادرست معتزله که با شاهد گرفتن از آیه نساء قائلند گناهان کبیره هرگز بخشیده نخواهد شد^{۶۸}

کسانی را که در همه احوال خدا و رسول را اطاعت می کنند، جزء آنها محسوب می کند^{۷۱}.

نساء/۶۹: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»

«و هر که خدا و پیامبر را فرمان برد، پس اینان با کسانی خواهند بود که خدا نعمتشان داده: از پیامبران و راستی پیشگان و شهیدان یا گواهان اعمال و شایسته کرداران، و ایشان نیکوکاران و همنشینانند.»

معلوم می شود اصحاب صراط مستقیم قدر و منزلت بالاتری از درجه ی مؤمنین خالص دارند^{۷۲}. شاهد آن سوره شریفه (حدید/۱۹) است:

«وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ...»

«و کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده اند، ایشانند راستی پیشگان و شهیدان یا گواهان بر امتها نزد پروردگارشان آنان راست پاداش و نورشان...»

این آیه بیان می دارد کسانی که ایمان به خدا و رسولان خدا دارند به صدیقان

۴۰. شناخت آیات مجمل و مبین

قوانین تشریح شده و معارف الهی در دوره های مختلف زمانی نازل شده است. مطالب نازل شده در مکه به طور اجمال و سر بسته بیان شده و آیاتی که مدنی هستند به طور تفصیل بیان شده اند و به جزئیات همان احکامی که در مکه نازل شده پرداخته و مجملات آن را توضیح و تبیین نموده اند. با این حال خود آیات مدنی هم

خالی از تدریج و چند مرحله ای نیست^{۶۹} برای مثال: محتوای سوره حمد (از سوره های مکی)، اصحاب صراط مستقیم را تعریف نموده به کسانی که در عبودیت خدا ثبات قدم دارند^{۷۰} و به روشنی بیان نکرده آنها چه کسانیند. سوره (نساء/۶۹) که از سوره های مدنی به شمار می آید

آنها را ۴ طایفه یعنی نبیین و صدیقین و شهداء و صالحین معرفی می کند و

و شهداء ملحق می شوند و خدا منزلتی چون منزلت آنها به ایشان می دهد^{۷۳}.

و به قرینه سوره مجادله/ ۱۱ «... یرفع الله الذين آمنوا منكم و الذين اوتوا العلم درجات...»

«...خدا کسانی را از شما را که ایمان آورده اند [به پایه‌ای] و کسانی را که دانش داده شده‌اند به پایه‌ها بالا برد...»
 مؤمنین هنوز ظرفیت آن را دارند که خود را به «الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» برسانند و البته مسأله بالا بردن درجات، مخصوص علمای مؤمن است^{۷۴}.

نمونه ی دیگر آیه اعراف/ ۲۹ (مکی) است:

«... وَ أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوا مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ...»

«... و اینکه روی او توجه [خویش نزد هر مسجدی او هنگام هر نمازی به سوی او] فرا دارید، و او را بخوانید در حالی که دین را ویژه او کرده باشید برای او انباز نگیرید...»

آیه به طور اجمال بیان دارد به اینکه قبله ای هست اما آیه بقره ۱۴۴/ (مدنی) است که کعبه را به عنوان قبله معین می کند و به تفسیر و تفصیل جزئیات می پردازد:

بقره/ ۱۴۴: «فَدَرَى ثَقَلَبًا وَجْهَكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَ إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ»

«ما گردش روی تو را در آسمان [به] انتظار وحی [می‌بینیم، و هر آینه تو را به قبله‌ای که آن را می‌پسندی بگردانیم پس روی خود را سوی مسجد الحرام نمازگاه شکوهمند بگردان، و هر جا که باشید رویتان را سوی آن بگردانید. همانا اهل کتاب می‌دانند که این [گردانیدن قبله] حق است از سوی پروردگارتان، و خدا از آنچه می‌کنند غافل نیست.»

بنابراین مشاهده می شود لازمه ی شناخت آیات مجمل و مبین^{۷۵}، شناخت زمان نزول سوره ها و آیات است. شناخت این دسته آیات و تأثیر آن بر فهم و تفسیر قرآن کریم بر کسی پوشیده نیست.

* ۵. شناخت زمان نزول دلیل دیگر بر عدم تحریف قرآن گاهی در روایاتی که در ذکر مدنی یا مکی بودن سوره ای موجود است

مشاهده می‌گردد که به روز و شب نزول هم اشاره کرده اند مانند: سوره حج که نقل شده دو آیه اول آن به هنگام شب نازل شده است^{۷۶}. و حتی در بعضی به سرمای زمستان مانند: سوره احزاب/ ۹^{۷۷} و یا شدت گرمای تابستان هم اشاره شده است مانند: توبه/ ۸۱^{۷۸} اشاره به این مسائل جزئی در روایت نماینگر این است که راویان برای آن ارزش دینی بسیاری قائلند و بر همین اساس، احساس مسئولیت می‌کنند تا با کمال امانت و دقت، تصویر واقعی از نزول آیات را بدون کم و زیاد ترسیم نمایند. دقت نظر آنها در بیان زمان و مکان نزول^{۷۹} آیات و سوره‌ها ثابت می‌کند که عنایت و اهتمام آنها در حفظ قرآن کریم شدیدتر بوده است. و به ما اطمینان خاطر می‌دهد که این وحی آسمانی، سالم و بدون هر گونه تحریف و تغییری به دست ما رسیده است^{۸۰}.

۶۰. تأکید بر اعجاز قرآن کریم از نظر اخبار و حوادث غیبی با شناخت زمان و مکان نزول بر وجهی از اعجاز قرآن (اعجاز از نظر اخبار و حوادث غیبی) پی‌خواهیم برد:

از مصادیق اخبار غیبی وجود آیاتی است که از حوادث زمان نزول قرآن خبر می‌دهد و از بسیاری از طرح و توطئه‌ها پرده بر می‌دارد. زمان نزول آیات و سوره‌ها، قرینه‌ای است در خور توجه بر آگاهی یافتن از اخبار غیبی، یکی از وجوه اعجاز قرآن که مورد توجه دانشمندان اسلامی قرار گرفته است. مانند:

توبه/ ۱۰۷: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضُرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَرِضًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ يَوَلَّوْا لِيَحْلِفُوا إِنَّا لَأَلِ الْخَسَنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ»

«و [گروهی از منافقانند] آنان که مسجدی گرفتند- ساختند- برای گزند رساندن و کفر ورزیدن و جدایی افکندن میان مؤمنان و ساختن کمینگاهی برای کسانی که با خدا و پیامبر او از پیش در جنگ بودند، و هر آینه سوگند می‌خورند که ما جز نیکی نخواستیم و خدا گواهی می‌دهد که آنان دروغگویند»

زمان نزول آیه سال نهم هجری است^{۸۱}. پیامبر(ص) طبق وعده‌ای که داده بودند، قرار بود بعد از جنگ تبوک در مسجد مورد نظر نماز بخوانند. با

و سوره حجر به شهادت آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ»؛ «پس آنچه را بدان فرمان یافتی آشکار کن» که به دنبال نزول این آیه حضرت به میان مردم آمده و دعوت خود را عمومی و علنی کردند، می توان گفت، این سوره مکی و در ابتدای علنی شدن دعوت نازل شده است.^{۸۵}

در مقایسه مضمون این دو آیه با یکدیگر (دعوت اقوام نزدیک زودتر از دعوت مردم بوده است) می توان تخمین زد که این سوره جلوتر از سوره حجر نازل شده است.^{۸۶}

شناخت ترتیب نزول آیات و سوره ها که در نتیجه شناخت زمان نزول به دست می آید خود برترین روش فهم قرآن به شمار می آید؛ چون می توان لحظه به لحظه سیره نبوی را دنبال نمود و حالات و مراحل نزول را روشن تر و دقیق تر دنبال کرد؛ و بدین وسیله خواننده در فضای نزول قرآن قرار می گیرد و حکمت نزول برایش نمایان می شود.^{۸۷} و لذت فهم معانی را که در عباراتی موجز، روان و به آسانی بیان شده است، می چشد.^{۸۸}

نزول این آیه گزارشی از بنای مسجد در خصوص نیت سازندگان آن به پیامبر (ص) رسید. زمان نزول آیه بیان می کند فعالیت منافقان در این زمان نیز ادامه داشته است و قرآن کریم با اطلاع رسانی دسیسه ی آنان را از بین برده است.

۷۰. شناخت آیات و سوره های مکی

و مدنی

از جمله عواملی که مکی و مدنی بودن یک آیه را مشخص می سازد، زمان نزول است. برای مثال، زمان نزول سوره فتح، سال ششم هجری است. در نتیجه معلوم می شود اینسوره - مطابق معیار زمان - مدنی است.^{۸۲}

۸۰. زمان نزول، تأثیرگذار بر ترتیب نزول سوره ها با مشخص شدن زمان نزول می توان به ترتیب نزول سوره ها دست یافت. برای مثال به سوره شعراء و حجر توجه فرمایید:

این سوره به شهادت آیه «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»؛ «و خویشاوندان نزدیک خود را بیم کن» از سوره هایی است که در اوایل بعثت نازل شده است.

نتیجه

قرینه «زمان و مکان نزول» در مباحث علوم قرآنی دلیلی متقن برای شناخت آیات ناسخ و منسوخ، عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین و تأکید دیگری بر مباحث عدم تحریف و اعجاز قرآن به شمار می آید. شناخت مکی و مدنی آیات و سوره ها و ترتیب نزول آنها از موارد دیگری است که می توان به کمک شناخت زمان نزول به آن دست یافت و بدین ترتیب اولین و آخرین آیات و سوره های نازل شده شناخته می شود و در نتیجه اختلاف نظر میان علمای علوم قرآنی برطرف می شود.^{۸۹}

در این میان شناخت آیات ناسخ و منسوخ از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا شناخت آن بدون فهمیدن زمان نزول آیات ممکن نیست.

تفکیک زمانی آیاتی که پیش از هجرت نازل شده اند از آیاتی که پس از هجرت نازل شده اند، برای علوم و تحقیقات قرآنی اهمیت بیشتری دارند، تا تفکیک آیات قرآنی بر پایه مکان نزول که در مکه نازل شده اند یا در مدینه. این اهمیت در حوزه فقه، آنجا که بحث تأخر و تقدم زمانی و تعیین زمان نزول آیات با علم فقه و معرفت احکام شرعی ارتباط پیدا می کند بیشتر خود نمایی می کند.

با این وجود این معیار نیز در مواردی پا به پای زمان نزول در برطرف کردن ابهام های برخی آیات قرآن ایفای نقش نموده است. و با توجه به احادیث نقل شده از آشنایی حضرت علی (ع) با علوم قرآن همردیف با اسباب نزول و همینطور زمان نزول آورده شده است.

پی نوشت :

- ۱- س. کت: سید محمد علی ایازی، قرآن و فرهنگ زمانه، نقدی بر نظریه ی بازتاب فرهنگ عصر نزول در قرآن کریم، ج ۲، رشت: کتاب مبین، ۱۳۸۰، ص ۱۳۳.

- ۲- جلال الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، بی جا: منشورات رضی و... بی تا، ص ۳۴.
- ۳-... هیچ آیه ای نازل نشد مگر این که می دانم در کجا و برای چه کسی و برای چه چیزی نازل شده است. آیا در

- دشت نازل شده یا در کوه؟ در مسیر راه یا در منزلگاه؟ یا هیچ آیه ای نازل نشد مگر این که می دانم آن آیه در کوه یا در دشت، در شب و یا در روز نازل شده است و... مجلسی، بحار الأنوار، ۱۰ / ۱۲۵ - ۲۶ / ۱۹۰ و جلد های ۴۰ و ۸۹،

بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق؛ عبید
الله بن احمد حسکانی، شواهد التنزیل
لفوائد التفضیل، ج ۱، تهران: سازمان
چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی،
۱۴۱۱ ق، ص ۴۰ و ۴۴؛ ابومنصور احمد
بن علی طبرسی، الاحتجاج، مشهد:
مرتضی، ۱۴۰۳ ق، ص ۲۶۱

۴- آثاری نظیر «البرهان فی علوم القرآن»
بدرالدین زرکشی (۷۹۴ق) و «الاتقان
فی علوم القرآن» از جلال الدین
سیوطی (۹۱۱ق) و تفسیرهایی چون
«مجمع البیان فی تفسیر القرآن» از فضل
بن حسن طبرسی (۵۴۸ق) و... که در
کنار دیگر مباحث قرآنی به بحث و
بررسی پیرامون مکی و مدنی آیات و
سوره ها پرداخته اند. و از دانشمندان
معاصر آیه الله محمد هادی معرفت در
کتاب خود «التمهید فی علوم القرآن»
و همچنین بسیاری از کتابهای
تاریخ قرآن و علوم قرآن که بخشی از
آنها به این بحث اختصاص یافته است.
از آثار معاصرین مانند: ۱. عبد الرزاق
حسین احمد، المکی و المدنی فی
القرآن الکریم، قاهره: دار ابن عفاان،
۱۴۲۰ق. این اثر در دو جلد نگارش
یافته است. مؤلف این کتاب پس از
مباحث مقدماتی، به بررسی دیدگاهها و
اختلاف نظرها تا سوره اسراء پرداخته
است. ۲. جعفر نکونام، در آمدی بر
تاریخ گذاری قرآن، تهران: هستی نما،
۱۳۸۰ش: این کتاب از جمله آثاری
است که در آن به تفصیل درباره ی
تاریخ گذاری قرآن، منابع و دشواری
های آن سخن گفته است.

۵. در انگلیسی «زمان» مطابق است با واژه
های «time: وقت، فرصت، روزگار
و... و «date: زمان، تاریخ و...»
۶. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا،
ج ۲۷، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۱ش،
ص ۴۲۸.

۷- اسماعیل بن حماد ابی
نصر الجوهری الفارابی، تاج اللغة و
صحاح العربیه المسمی الصحاح، ج ۵،
بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۸ق، ص ۲۳۱.

۸- محمد بن مکرم ابن منظور، لسان
العرب، ج ۱۳، بیروت: دارصادر،
۱۴۱۴ق، ص ۱۹۹.

۹- مجد الدین محمد بن یعقوب الفیروز
آبادی، القاموس المحیط، ج ۴، بیروت:
دار الجیل، بی تا، ص ۲۳۳.

۱۰- محمد معین، فرهنگ
فارسی (معین)، ج ۲، تهران: دبیر،
۱۳۸۲ش، ص ۱۲۲۸.

۱۱- علی اکبر دهخدا، پیشین، ج ۲۷،
ص ۴۳۰.

۱۲- حسین بن محمد راغب اصفهانی،
المفردات فی غریب القرآن، بیروت:
دارالعلم، ۱۴۱۲ق، ص ۸۸.

۱۳- همان، ص ۵۹.

۱۴- حسین بن محمد راغب اصفهانی،
پیشین، ص ۳۱۹.

۱۵- در انگلیسی «مکان» مطابق است با
«place»: «فضا، جا، مکان، ناحیه،
نقطه، محل و...» «location»:
موقعیت، تعیین محل و...»

That 1. Vol. II
P, P1638, Vol. I
1268.

۱۶- محمد معین، پیشین، ج ۴، ص
۳۰۷۷.

۱۷- فضل بن حسن طبرسی، مجمع
البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ج ۳، تهران:
ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش، ص ۱۲۶.

۱۸- ر. ک: علی اکبر دهخدا، پیشین،
ج ۴۵، ص ۹۷۵؛ خلیل بن احمد
فراهیدی، العین، ج ۵، قم:
هجرت، ۱۴۱۰ق، ص ۳۸۷.

۱۹- حسین بن محمد راغب اصفهانی،
پیشین، ص ۷۷۲ و ۷۷۳؛ مجد الدین
محمد بن یعقوب الفیروز آبادی، پیشین،
ج ۴، ص ۲۷۴.

۲۰- همان، ج ۴، ص ۵۷.

۲۱- احمد بن محمد فومی، مصباح
المنیر، ج ۲، بی جا، بی تا، ص ۶۰۰.

۲۲- حسن مصطفوی، التحقیق فی
کلمات القرآن الکریم، ج ۱۲، تهران:
بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش،
ص ۸۷.

۲۳- خلیل بن احمد فراهیدی، پیشین،
ج ۷، ص ۳۶۷.

۲۴- ر. ک: ابی الحسین احمد بن
فارس بن زکریا الرازی، معجم مقایس
اللغه، ج ۴، بیروت: دار الکتب
العلمیه، ۱۴۲۰ق، ص ۵۵۴.

۲۵- بقره/ ۷۴.

۲۶- محمد معین، پیشین، ج ۴، ص
۳۰۷۷.

۲۷- احمد بن محمد فومی، مصباح
المنیر، ج ۲، بی جا، بی تا، ص ۶۰۰.

۲۸- بقره/ ۶۱.

۲۹- شعراء/ ۱۹۳.

۳۰- نمل/ ۶۰.

۳۱- ر. ک: حسین بن محمد راغب
اصفهانی، پیشین، ص ۸۳۲.

۳۲- ر. ک: حسن مصطفوی، پیشین،
ج ۱۱، ص ۲۳۵.

۳۳- ر. کت: محمود رامیار، تاریخ قرآن، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۹ش، ص ۱۸۱.

۳۴- ر. کت: محمد باقر سعیدی روشن، علوم قرآن، قم: مؤسسه آموزش و پرورش امام خمینی (ره)، ۱۳۷۷ش، ص ۱۳۵.

۳۵- ر. کت: همان، ج ۲، ص ۱۶ و ۱۷؛ سید محمد باقر حکیم، علوم قرآنی، ج ۱، محمد علی لسانی فشارکی، تهران: تیان، ۱۳۷۸ش، ص ۲۵ و ۲۶.۳۶

۳۶- ۶ فرقان/۳۲

۳۷- فرقان/۳۳

۳۸- ر. کت: محمد بهرامی و سید ابراهیم سجادی، آشنائی با اسباب نزول، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، ش ۱، ۱۳۷۴ش، ص ۱۶.

۳۹- ر. کت: علی اکبر بابائی و دیگران، روش شناسی تفسیر قرآن، ج ۲، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و...، ۱۳۸۵ش، ص ۳۵۱.

۴۰- «نسخ در اصطلاح خاص علما و دانشمندان دینی با الهام از معنای لغوی آن، عبارت است از برداشته شدن حکمی از احکام ثابت دینی در اثر سپری شدن وقت و مدت آن، یعنی تغییر یافتن حکم چیزی یا سپری شدن وقت و دوران آن حکم». سید ابوالقاسم الموسوی الخوئی، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، نجمی و هاشم زاده هریسی، بی جا، بی تا، ص ۳۳۵. به تشریح حکم لاحق، به گونه ای که جایگزین آن گردد و امکان جمع میان هر دو نباشد» محمد هادی معرفت، علوم قرآنی، ج ۲، قم: التمهید، ۱۳۸۰ش، ص ۲۵۱.

۴۱- ر. کت: محمد هادی معرفت، تاریخ قرآن، قم: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، ۱۳۷۵ش، ص ۴۸؛ بدرالدین محمد بن عبد... زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۵ق، ص ۱۸۷؛ عبد العظیم الزرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۴، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۶۱؛ جلال الدین سیوطی، التحجیر فی علم التفسیر، قاهره: دار المنار، ۱۴۰۶م، ص ۴۲؛ عبد الرزاق حسین احمد، المکی و المدنی فی القرآن الکریم، ج ۱، قاهره: دار ابن عفان، ۱۴۲۰ق، ص ۱۳۴؛ فهد بن عبد الرحمن بن سیمان الرومی، «دراسات فی علوم القرآن الکریم، ریاض: مکتبه التوبه، ۱۴۱۳ق، ص ۱۴۹؛ مناع القطان، مباحث فی علوم القرآن، ج ۴، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۳۹۶ق، ص ۵۹؛ محمد بن لطفی الصباغ، بحوث فی اصول التفسیر، بیروت: المکتب الاسلامیه، ۱۴۰۸م، ص ۳۹؛ علی اکبر کلاتری ارستانجانی، نقش دانش رجال در تفسیر و علوم قرآنی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴ش، ص ۵۲؛ سید علی کمالی دزفولی، قانون تفسیر، تهران: کتابخانه صدر، ۱۳۵۴ش، ص ۳۸۴.

۴۲- محمد هادی معرفت، عنود قرآنی، ص ۶۸.

۴۳- أبو جعفر أحمد بن محمد بن إسماعیل المرادی النحاس، الناسخ والمنسوخ، الکویت: مکتبه الفلاح، ۱۴۰۸ق، ص ۱۹۴ و ۱۹۵.

۴۴- ر. کت: سید محمد حسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۹، ص ۲۴۱.

۴۵- محمد عزت دروزه، التفسیر الحديث، ج ۹، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۳ق، ص ۹.

۴۶- ر. کت: سید محمد حسین طباطبائی، پیشین، ج ۲، ص ۲۰۴.

۴۷- عقد موقت

۴۸- ر. کت: فضل بن حسن طبرسی، پیشین، ج ۳، ص ۵۲؛ جمال الدین مقداق بن عبدالله فاضل مقداق، کتبه العرفان فی فقه القرآن، ج ۲، بی جا: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۴۹؛ عبد علی بن جمعه عروسی حویزی، نورالتقلین، ج ۱، ص ۴، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق، ص ۴۶۷ و ۴۶۸؛ سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق، ص ۵۸؛ شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق، ص ۹۵؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق، ص ۴۴۹.

۴۹- برای نمونه ر. کت: عبدالله بن عمر بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التاویل، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق، ص ۶۹؛ جلال الدین سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۲، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۴۰؛ ابو عبدالله محمد بن عمر فخرالدین رازی، مفتاح الغیب، ج ۱۰، ص ۱۰، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق، ص ۴۱؛ احمد بن علی جصاص، احکام القرآن (جصاص)، ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق، ص ۹۹۹۵؛ احمد بن الحسن بن علی بن موسی أبوبکر البیهقی، سنن البیهقی

الکبری، ج ۷، مکه المکرمه: مکتبه دار
البايز، ۱۴۱۴ق، ص ۲۰۵.

۵۰- ر. کک: حسين بن مسعود بغوی،
معالم التنزيل في تفسير القرآن، ج ۳،
بيروت: دار احیاء التراث، ۱۴۲۰ق، ص
۳۵۵.

۵۱- ر. کک: سيد محمد حسين
طباطبائي، پيشين، ج ۴، ص ۲۷۱ - ۲۷۴.

۵۲- ر. کک: سيد محمد حسين
طباطبائي، پيشين، ج ۱، ص ۲۶۰.

۵۳- همان، ج ۳، ص ۸۲ به نقل از تفسير
نعماني ص ۵؛ محمد باقر مجلسي،
پيشين، ج ۹۰، ص ۳۰۴.

۵۴- آل عمران/ ۶۷- بينه/ ۱- توبه/ ۵ و ۷
و ۲۸ و ۳۶ و...

۵۵- آل عمران/ ۶۷- بينه/ ۱- توبه/ ۵ و ۷
و ۲۸ و ۳۶ و...

۵۶- ر. کک: سيد محمد حسين
طباطبائي، پيشين، ج ۲، ص ۲۰۲- ۲۰۴.

۵۷- ر. کک: سيد ابوالقاسم الموسوي
الخوني، پيشين، ص ۲۸۸.

۵۸- ر. کک: سيد محمد حسين
طباطبائي، پيشين، ج ۵، ص ۲۰۵.

۵۹- ر. کک: همان، ج ۴، ص ۲۱۶.

۶۰- سيد محمد حسين طباطبائي،
پيشين، ج ۹، ص ۲۸۳ و ۲۸۴.

۶۱- همان، ج ۹، ص ۴۰۴.

۶۲- همان، ج ۴، ص ۴۲۱.

۶۳- سيد ابوالقاسم الموسوي الخوني،
پيشين، ص ۴۶۲.

۶۴- برای نمونه ر. کک: أحمد بن محمد
بن إسماعيل المرادي النحاس أبو جعفر،
پيشين، ص ۳۲۶؛ علی بن أحمد بن سعيد
بن حزم الظاهري أبو محمد، لئاسخ
والمنسوخ في القرآن الكريم، بيروت:
دار الكتب العلمية، ۱۴۰۶ق، ص ۲۳.

۶۵- ر. کک: سيد محمد حسين
طباطبائي، پيشين، ج ۴، ص ۲۷۳ و ۲۷۴.

۶۶- ر. کک: همان، ج ۴، ص ۳۹۸ و ۳۹۹.

۶۷- ر. کک: همان، ج ۱۱، ص ۳۰۱.

۳۰۲.

۶۸- ر. کک: ناصر مکارم شیرازی،
نمونه، ج ۱۰، تهران: دارالکتب
الاسلاميه، ۱۳۷۴ش، ص ۱۲۷.

۶۹- برای نمونه آیاتی است در زمينه
گسترش عفت و حفظ پوشش در سوره
نور از سور مدنی که به طور تدریجی
نازل شده اند. حکم استیذان در آیه ۲۷
این سوره، نگاه در آیه ۳۰، پوشش در
آیه ۳۱، پوشش زن باز نشسته در آیات
۶۰ و ۶۱ بیان شده است.

۷۰- حمد/ ۵ و ۶.

۷۱- جلال الدين سيوطي، الاتقان في
علوم القرآن، ج ۲، ص ۵۱.

۷۲- ر. کک: سيد محمد حسين طباطبائي
، پيشين، ج ۴، ص ۴۰۷.

۷۳- ر. کک: همان، ج ۱۹، ص ۱۶۲.

۷۴- ر. کک: همان، ج ۱۹، ص ۱۸۸.

۷۵-... اجمال عبارت است از این که
لفظ که معنایش چند جهت دارد،
طوری ادا شود که شنونده تفهیم
مقصود گوینده کدام جهت معنا است،
و همین باعث سرگردانی مخاطب و یا
شنونده شود، و بتواند مراد گوینده را
تشخیص دهد... سيد محمد حسين
طباطبائي، پيشين، ج ۳، ص ۳۴. گاهی
آیه مبین در همان سوره به دنبال آیه
اجمال آمده است مانند سوره طور که
آیه ۲۲ آن اجمال آیه ۱۹ را تبیین می
نماید. طور/ ۲۲: «وَأَمْدَدْنَا هُمْ بِمَا كَانُوا وَ
لَهُمْ مِمَّا يَشْتَهُونَ » طور/ ۱۹: «كُلُوا وَ
اشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» و گاهی در
سوره دیگر ذکر شده است مانند مثال
متن. برای مطالعه بیشتر در اقسام مجمل
و مبین ر. کک: جلال الدين سيوطي،
پيشين، ج ۲، ص ۵۰.

۷۶- ر. کک: فضل بن حسن طبرسی،
پيشين، ج ۷، ص ۱۱۲.

۷۷- ر. کک: سيد محمد حسين
طباطبائي، پيشين، ج ۱۶، ص ۲۹۹.

۷۸- ر. کک: همان، ج ۹، ص ۳۶۴.

۷۹- برای مثال در سب نزول آیه
نساء/ ۱۰۲ نقل شده است:
«وَ إِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ
فَلْتُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَ لِأَخْذُوا
أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ
وَرَائِكُمْ وَ لِتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يَصَلُّوا
فَلْيَصَلُّوا مَعَكَ وَ لِأَخْذُوا حِذْرَهُمْ وَ
أَسْلِحَتَهُمْ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَقَوَّلَ عَنْ
أَسْلِحَتِكُمْ وَ أَمْنِكُمْ فَيَبْئُونَ عَلَيْكُمْ مِثْلَهُ
وَ أَجِدُهُ...»

۸۰- ر. کک: عبد العظيم الزرقاني، پيشين،
ج ۱، ص ۱۶۱؛ فهد بن عبد الرحمن بن
سليمان الرومي، پيشين، ص ۱۵۰.

۸۱- ابن خلدون، ابن خلدون، العبر
تاريخ ابن خلدون، ج ۱، ترجمه عبد
المحمد آيتي، بی جا: مؤسسه مطالعات
و تحقيقات فرهنگي، ۱۳۶۳ش، ص
۲۶۲.

۸۲- ر. کک: سيد محمد حسين
طباطبائي، پيشين، ج ۱۸، ص ۲۵۲.

۸۳- شعراء/ ۲۱۴ + ۸۴- حبر/ ۹۴

۸۵- ر. کک: سيد محمد حسين
طباطبائي، پيشين، ج ۱۲، ص ۹۵.

۸۶- ر. کک: همان، ج ۱۵، ص ۲۵۰؛

۸۷- محمد عزت دروزه، التفسير
الحديث، ج ۱، قاهره: دار إحياء الكتب
العربية، ۱۳۸۳ق، ص ۹.

۸۸- عبدالقادر ملاحوش آل غازی،
بيان المعاني، ج ۱، دمشق: مطبعة الترقی،
۱۳۸۲ق، ص ۴.

۸۹- ر. کک: محمد هادی معرفت،
پيشين، ص ۷۸

